

## نگارش آقای بازارصاد .

## اوژنیک

یا

## فن اصلاح و تکامل نژاد انسان

- ۲ -

لفظ اوژنیک مشتق است از کلمه یونانی اوژن بمعنی مولود خوب (خوش ذات) و چنانکه اشاره شد مقصود از آن فن اصلاح و تکامل نژاد انسان و علمی است که بوسیله آن افراد بشری از هر جهت خوب و تندرست و لایق و ذکی و صالح متولد شوند و از ازدیاد نسل های ضعیف و متنزل و صاحب فکر پست و روح سخیف و جسم نحیف بوسائل علمی جلوگیری بعمل آید تا روزی رسد که نژاد پست و ضعیف مانند بعضی از نژادهای جانوران و آدمیان که بمرور زمان بسبب عوامل مشخصه از بین رفته اند از میان برود و نابود گردد .

باید دانست که این فکر عالی تازگی نداشته و از قدیم مورد **قدمت فن اوژنیک** توجه بعضی از ملل و جماعات بوده الا اینکه عنوان یک

علم خاص را نداشته است . مثلاً یونانیهای اسپارتی این مقصود را بوسائل خاصه در اجتماع خویش بکار میبردند - منظور جامعه اسپارتی این بود که از تولید و زندگی و ادامه حیات افراد ضعیف قویاً جلوگیری کنند و ملت اسپارت را بدینوسیله همیشه قوی و زورمند و توانا نگاهدارد و برای حصول این منظور قواعد و رسوم مخصوصی داشتند .

اهالی اسپارت طفل خود را پس از تولد بمحضر عام **روش اسپارتهای** آورده و نمایندگان مجلس سنا طفل را معاینه میکردند اگر

کودک ناقص الخلقه بود یا ضعیف بنظر میرسید او را بکوههای اطراف فرستاده در کودالها رها میکردند تا بمیرد و فرد ضعیف در جامعه اسپارتی بعرضه ظهور نرسد و اگر سالم و قوی بوده او را به پدر و مادر تسلیم میکردند - مادر تساهفت سال از

طفل توجه نموده سپس او را بدولت سپرده و دولت كودك را در سر باز خانه مخصوص اطفال تا سن ۱۸ سالگی نگاهداری و تربیت می نمود .

سر باز خانه اطفال از دسته های اطفال تشکیل میشد و در رأس هر دسته یکی از اطفال ذکی و برجسته که سابقه خدمت بیشتری داشت قرار گرفته بود - در این سر باز خانه ها اطفال را بسختی و کرسنگی و تشنگی عادت داده و بانواع مشقات تمرین میدادند اطفال خودشان باید برای خویش تهیه غذا کنند و هر يك از آنها بر يك قطعه فرش حصیری که خودش بافته است زندگی نماید غذای آنها قدری نان سیاه و آبگوشت ساده، سر و پای آنها همیشه برهنه و لباس ایشان در تمام فصول یکسان بود - تعلیمات این دوره عبارت بود از حرکات ورزشی و پهلوانی و کمی خواندن و نوشتن و هر سال در موقع معین اطفال را بدین طریق امتحان میکردند که آنها را در مجمع عمومی تازیانه میزدند تا خون از بدن ایشان جاری شود، اگر طفل ضعیف بود در زیر شلاق جان میداد و گرنه باید تبسم نموده و افتخار کند و اظهار درد ننماید - اطفال در سن هفت سالگی به خدمت نظام وارد شده دو سال خدمت کرده با تعلیمات نظامی و فنون جنگی آشنا شده و بعد جزء ذخیره میشدند - هر جوان اسپارتی در سن سی سالگی مجبور بزناشوئی بوده و بیزاری از ازدواج ننگ شمرده میشد - در سن سی سالگی هر جوان اسپارتی عضو اجتماع محسوب شده و از حقوق مدنی بهره مند میگردد - در اسپارت دختران را نیز برای اینکه در آینده مادران سالم و خوب شوند به مشقت و سختی عادت داده در مسابقه ها و بازیهای ورزشی شرکت میدادند و شکار را بدانها میآموختند، هدف هر مادر اسپارتی اول دوستی اسپارت و تربیت فرزند سالم و قوی برای اسپارت و دوم مهر مادری نسبت بفرزند بوده است - شجاعت و تهور و همت مادران اسپارتی در تاریخ معروف و بعضی از حکایات آنها ضرب المثل میباشد چنانکه معروف است ، مادری اسپارتی هنگام جنگ بفرزند خود گفته است میخواهم موقع مراجعت تو را زیر سپر یا روی سپر ببینم یعنی یافتح باشی و یا کشته شوی - يك طفل اسپارتی روزی روباهی را دزدیده در زیر لباس خود پنهان کرد روباه با چنگال شکم طفل را پاره نمود و طفل بهیچوجه اظهار تألم ننمود تا جان داد .

چنانکه ملاحظه میشود تمام تدابیر لازمه را که بجهت حصول آن مقصد عالی یعنی اصلاح نژاد و ازدیاد نژاد سالم و قوی و نابودی نژاد ضعیف مناسب عصر و زمان و شایسته آن محیط بوده است آن ملت بکار میبرده، مثلاً اجبار و الزام جوانان باینکه در سن سی سالگی ازدواج نمایند خود یکی از همین رموز است که مؤثر در تأمین این مقصد عالی بوده است.

در میان طوایف و قبائل وحشی نیز رسوم و عاداتی معمول بوده و هنوز شایع است که بر همین معنی دلالت دارد و این منظور عالی را تأمین میکند و عدم رواج فحشاء و رذالت و ناجوانمردی و پستی و مکر در میان قبائل وحشی و نمایش اینگونه طوائف بشجاعت و همت و مردانگی نتیجه پیروی از آن روشها و رسوم است پس قبائل وحشی نیز بدون آنکه سواد و کتاب و صنعتی داشته باشند باغریزه فطری و ذوق خداداد پنی بدین رمز حقیقی سعادت و ناموس طبیعی عالم یعنی بقای انساب برده و بدون آنکه نام فن و علم بران گذارند با شیوه و سیره مخصوص خویش باندازه فهم خود تدابیری بخاطر این هدف عالی بکار میبرند - در قبائل زولو چنین رسم است که جوان رادر سن معین برای اینکه امتحان دهد و عضو قبیله شمرده شود مدت یکماه در جنگل های سهمناک برهنه فقط بایک نیزه رها میکنند و در این مدت اگر یک نفر از افراد قبیله او را بچشم دید باید بقتل رسد، در این مدت باید غذا و خوراک و همه چیز خود را در امکانه سخت و خطرناک بوسیله شکار حیوانات تهیه کند - اگر پس از یکماه سالم بر کشت عضو قبیله شمرده میشود و معلوم است که اگر جوانی ضعیف باشد یا موصوف بنخال و صفات مخصوص از قبیل شجاعت و همت و اعتماد بنفس و مقاومت نباشد در این مدت از میان رفته و نابود میشود و بالطبع نسلی از این نژاد ضعیف نیز بوجود نخواهد آمد.

در میان جامعه انسان متمدن این مسئله فی الحقیقه از غوامض لاینحل است که موافق ناموس طبیعی تمام موجودات جنس ضعیف را مردود مینمایند و همان فقدان عوامل نمو، تکامل آنها را از میان میبرد اما انسان متمدن امروزی نوع ضعیف را

پرورده و ازان توجه میکند و بلکه او را غالباً در ازدیاد نسل و تولید بمثل آزاد میگذارد.

مثلا در نباتات تخم‌های ضعیف و نباتات ضعیف نمیتوانند که غذای خود را تمام و کمال از زمین جذب نمایند لهذا روز بروز ضعیف‌تر گشته یا فاسد شده از میان میروند در حیوانات نیز افراد ضعیف اگر در شکم مادر یادر اثنای نمو و دوره جنینی از بین نروند بالاخره بعداً بواسطه عدم توانائی در بدست آوردن غذا بقدر کفایت ضعیف تر شده و نابود میشوند و اگر در عالم خلقت این ناموس طبیعی حاکم بر موجودات جاندار نبود راستی کار عالم وجود مشکل شده ازدیاد نژاد ضعیف باعث هرج و مرج عالم آفرینش میگردد چنانچه باوضع حاضر هر يك از نوامیس طبیعی که منسوخ شود شاید چرخ عالم هستی را از حرکت باز دارد و سرنوشت جهان آفرینش را بشکل دیگر تبدیل دهد.

اما جامعه انسان متمدن امروزی چنانچه اشاره شد از انواع ضعیف پذیرائی و توجه نموده و آنها را می‌پروراند برای عجزه و مفلو کین و ولگردها و بیماران و دیوانگان و ضعفا و فقرا مریضخانه و بنگاه‌ها و آسایشگاه و تیمارستانها و غیره ساخته افراد ضعیف را پرورش میدهد - حق هم همین است زیرا عاطفه و احساس و رحم و مروتی که در نهاد این موجود بخصوص نهاده شده مستلزم چنین رفتار و داشتن چنین عقیده است.

ولی از طرف دیگر اگر این گونه اقدامها از روی اساس علمی و تدبیرهای حکیمانه نباشد سرانجام بزبان افراد سالم و قوی که شایستگی زندگی و ادامه نسل دارند و در نتیجه بزبان جامعه و ملت تمام میشود زیرا (اولاً) افراد ضعیف بطفیل افراد قوی زندگی کرده سر بار آنها هستند و مخارج گزاف بنگاه‌ها و آسایشگاه‌ها و مریضخانه‌های مخصوص این دسته را افراد سالم و قوی و صحیح پرداخت نموده و (ثانیاً) اکثریت افراد کم عقل و ناتوان و پست در ازدیاد نسل آزاد بوده در هر جا و با هر کسی و هر زمان بخواهند و اراده کنند نسل خود را افزون نموده عده کثیری مانند خود - بلکه

غالباً ضعیف‌تر از خویش را مانند سموم میان جامعه میریزند (ثالثاً) اکثریت افراد فاسد و ضعیف در معاشرت و مؤانست بادیگران سبب گمراهی آنها و تباهی خانواده‌ها و نشر فساد و رواج بزه‌کاری و گمراهی میشوند.

اگر به آمارها و نتایج تحقیقات علمی که در چند سال اخیر بعضی از علما در این مورد نموده‌اند مراجعه شود و از تعداد افراد ضعیف‌العقل در بعضی از جامعه‌ها یا شهرها و تعداد تبه‌کاریها و بزه‌کاریها و فسادهایی که این نوع افراد باعث شده‌اند اطلاع حاصل گردد انسان از تصور نتایج وخیم عواقب آن و سر نوشت آتی ایشان دچار وحشت و اضطراب میشود.

اینک برخی از نتایج تحقیقات بعضی از علما را باختصار ذکر میکنیم تا بیشتر خواننده از اهمیت این فن جدید آگاه شود.

پس از آنکه گرگور مندل عالم اطریشی تحقیقاتی در مسئله توارث نموده و آزمایشهایی در مورد نباتات بعمل آورد و بالنتیجه چند قانون که بقوانین مندل موسوم گردیده در امر توارث وضع نمود، عده از علما در نقاط مختلفه دنیا به جستجوی حقیقت امر توارث و آزمایش قوانین مندل در مورد انسان برخاسته ابتدا شروع بپرسی و تحقیقاتی در باب بعضی افراد و بعضی خانواده‌های ضعیف‌العقل (۱) و نسب آنها نمودند در اتازونی در مورد چند نفر از گناهکاران و سلسله نسب آنها مطالعاتی بعمل آورده تا چند پشت از سلسله اجداد آنها که جستجو ممکن بود کسب اطلاع نموده‌اند و همچنین در مورد سرگذشت اولاد و اخلاف چند نفر که در قدیم و چند نسل قبل بنقص و فساد اخلاقی یا ذهنی شهرت داشته فحوص کرده‌اند.

از اینجمله است خانواده موسوم به جیوکس (۲) در نیویرک - این خانواده در یکی از محلات نیویرک مسکن دارد - قدیم‌ترین فرد مادری که در این خانواده شناخته شده به مارگارت (۳) موسوم است و او را مادر گناهکاران گویند - در نتیجه تحقیقات و آماری که بدست آمده معلوم شده است که از زمان مارگارت مزبور تا سال ۱۹۱۵

میلادی عده افراد این خانواده بشرح ذیل به ۲۰۹۴ نفر رسیده اند :

از این عده ۱۶۰۰ نفر مبتلی به بلاهت و ضعف دماغ و یاغشوه و صرع ،

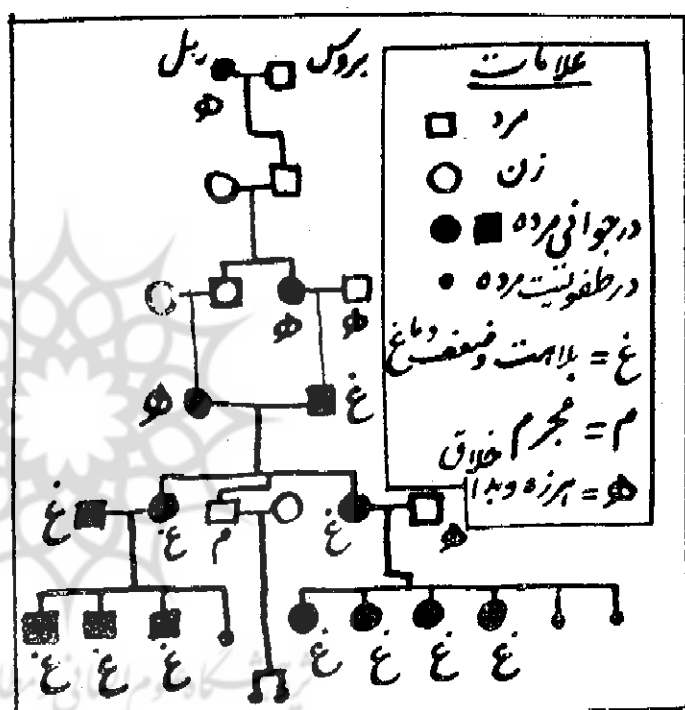
۳۱۰ نفر کدا و ولگرد ،

۳۰۰ نفر زنان سیهروزگار ،

۱۴۰ نفر کناهگار که از میان آنها هفت نفر آدمکش بوده اند .

از میان افراد این خانواده یکنفر سرباز و یکنفر که دارای تحصیلات ابتدائی باشد بوجود نیامده، فقط بیست نفر از آن خانواده مختصری با پیشه و بازرگانی آشنا گشته اند که از آن بیست نفر در زندان کار یاد گرفته اند .

از روی حساب نگاهداری این خانواده بجهت جامعه امریکا بمبلغ پنجا میلیون ۵۰۰۰۰۰۰۰ دلار ( معادل يك



بیلیون ریال) تمام شده است و اینمبلغ فقط خسارت مستقیم و پولی این خانواده است غیر از خسارات هنگفت و غیر قابل تخمین اخلاقی که به اجتماع و حیثیت اجتماعی و به خانه ها و خانواده ها و افراد و اجتماعاتی که با آنها معاشر بوده و در میان آنها زندگی کرده و بسبب فاسد ساختن اخلاق سایرین و نشر امراض وارد ساخته اند می باشد در اینجا يك قسمت مختصر از شجره نسب این خانواده درج گردیده چنانکه از روی شجره ملاحظه میشود در آغاز کار آقای بروس (۴) با خانم بل (۵) که زنی نادرست و تبه کار بوده است ازدواج کرده و نتیجه مشوم و وحشت انگیز يك ازدواج نازیبا در نسل پنجم ظاهر گردیده از تمام دوازده نفر نسل پنجم در هر سه شاخه هفت نفر همه ضعیف العقل بوجود

آمده و در جوانی مرده‌اند و پنج طفل هم در سن یکسالگی یا دوسالگی فوت کرده‌اند. یکی دیگر از نتایجی که از این شجره مختصر مفهوم میشود و از علل مهمه انحطاط و خرابی سریع و زوال نسل میباشد ازدواج با خویشاوندان و رواج موصلت در میان اقوام نزدیک بوده و چنانکه از تحقیقات علمی استنباط شده اینمسئله از نظر علمی سبب تنزل سریع نژاد میگردد.

### جوانمردی

جوانمردی آنست که خلق را چون خویشتن خواهی، بلکه بهتر.

شبلی دهاوندی

جوانمردی دریائی است که از سه چشمه تشکیل میشود یکی سخاوت، دوم

شفقت، سوم استغناء پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ابو الحسن خرقانی

جوانمردی از کارها بهتر است جوانمردی از خوی پیغمبر است

دو گیتی بود بر جوانمرد راست جوانمرد باشی دو گیتی تراست



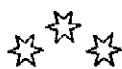
جوانمرد و خوشخوی و بخشنده باش

چو حق با تو باشد تو با بنده باش

مروت نباشد بر افتاده زور

برد مرغ دوت دانه از پیش مور

سعدی



جوانمردی و راستی پیشه کن

همه نیکوئی اندر اندیشه کن

جوانمردی و خوبی و خرمی

همی نیکوئی ماندو مردمی

فردوسی